یکشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ایده ارتش صهیونیست‌ها برای حمله به غزه چقدر واقعی است؟ این ایده چه اثری بر افکار عمومی دنیا دارد؟

طرح فضایی برای حمله زمینی

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

سومین روز جنگ و در حالی‌که ارتش صهیونیستی هنوز موفق به بازپس‌گیری شهرک‌های صهیونیست‌نشین از نیروهای مقاومت نشده و آماری از تلفات حمله مقاومت منتشر نشده بود، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در گفت‌وگویی تلفنی با مقامات محلی در جنوب اراضی اشغالی به آنها گفته «ما خاورمیانه را تغییر می‌دهیم.»

کلیدواژه «تغییر خاورمیانه» تکرار همان «خاورمیانه جدید»ی است که دو دهه پیش، «کاندولیزا رایس»، وزیر خارجه وقت آمریکا در میانه جنگ اسرائیل و حزب‌الله نوید آن را می‌داد. خاورمیانه جدید قرار بود با شکست حزب‌الله لبنان محقق شود، اما چنین نشد تا ۱۷ سال بعد و با شعله کشیدن جنگی دیگر، نخست‌وزیر رژیم از تغییر خاورمیانه سخن بگوید. موضع‌گیری نتانیاهو، از سوی رهبر یک رژیم شکست‌خورده از یک گروه شبه‌نظامی، امری متداول برای بازیابی روحیه ارکان دولت و افکار عمومی است. برای بسیاری تغییر خاورمیانه، تنها یک بلوف برای خریدن فرصت و باقی ماندن در قدرت بود اما سه روز بعد، صالح‌العاروی معاون شاخه سیاسی حماس از «اطلاعاتی» گفت که حکایت از «آمادگی تل‌آویو برای حمله به غزه پس از پایان اعیاد یهودی» خبر می‌داد. همین هم باعث شد تا مقاومت اسلامی حمله پیشدستانه به شهرک‌های اطراف غزه را به اجرا بگذارد. با این حال نتانیاهوی شکست‌خورده برای خروج از فشار روانی مجبور شد طرحی که در اتاق جنگ رژیم ساخته و پرداخته شده را در معرض عموم قرار دهد؛ طرحی که بیانگر نقشه رژیم به همراه متحدان غربی و عربی‌اش برای مقابله با محور مقاومت با نقطه آغاز غزه و تمرکز بر «حماس» است. تجمیع نیروهای صهیونیستی در اطراف نوار غزه و آمادگی آنها برای تهاجم زمینی، حداقل روی کاغذ هدفی جز «ریشه‌کن» کردن مقاومت در غزه ندارد، اما روی زمین آنها نبردهای سنگین شهری در این منطقه پرجمعیت را پیش‌رو دارند.

اطلاعات میدانی نشان می‌دهد اقدام علیه غزه قطعی است؛ اگر پیش از این نقشه برای نابودی محور مقاومت از غزه عامل پیشران صهیونیست‌ها بود، امروز انتقام و تلافی عملیات هفت اکتبر به آن افزوده شده است. با این حال اما تحلیل‌گران نظامی به اندازه صهیونیست‌ها به این جنگ و نتایج آن امیدوار نیستند و از عدم برنامه‌ای روشن حتی برای پس از پیروزی می‌گویند. آنچه محل تردید است چگونگی حمله و توقع از کسب نتایج در کوتاه‌مدت یا بلندمدت است.

صهیونیست‌ها می‌خواهند چه کنند؟

جنبش حماس حداقل چهاربار (سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱) و جنبش جهاد دوبار (سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳) با رژیم صهیونیستی جنگیده است. صهیونیست‌ها با هدف محدود کردن تهدید ناشی از مقاومت از طریق حملات دوره‌ای، این گروه‌ها را هدف قرار می‌دادند و آن را صرفا «چمن‌زنی» می‌نامیدند. این بار آنها شعارهای جدی‌تری می‌دهند اما اینکه بتوانند آن را محقق کنند، ابهامات بسیاری دارد.

در نخستین روزهای وقوع جنگ، تهدیدات انتقام‌جویانه صهیونیست‌ها بسیار کور به نظر می‌رسیدند و بیشتر از لزوم ورود زمینی، به‌لحاظ خبری چیز دیگری به‌دست نمی‌آمد. این روند به مرور و پس از آنکه صهیونیست‌های غافلگیرشده خود را بازیافتند، واضح‌تر شد. الی کوهن، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی چهارشنبه ۲۶ مهر (۱۸ اکتبر) در هفته دوم جنگ اعلام کرد پس از جنگ، حماس وجود نخواهد داشت و از اراضی غزه نیز کاسته خواهد شد. این اظهارات نشان می‌داد صهیونیست‌ها اشغال فوری و کامل غزه را در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نمی‌دانند و البته نمی‌توانند به شکل نظامی بر حماس غلبه کنند.

روز جمعه صهیونیست‌ها از طرحی سه‌مرحله‌ای خبر دادند که کمی متفاوت‌تر از قبل است. این طرح را یوآو گالانت، وزیر جنگ رژیم اشغالگر، در دیدار اعضای کمیته روابط خارجی و امنیتی پارلمان اعلام کرده است. آن‌گونه که او گفته جنگ به سه مرحله تقسیم می‌شود:

۱- ایجاد یک کمپین نظامی با آتش و سپس تهاجم زمینی است که با هدف از بین بردن فعالان و تخریب زیرساخت‌ها به‌منظور نابودی حماس انجام می‌شود.

۲- کاهش شدت درگیری‌هاست. این یک مرحله میانی برای ادامه نبرد با شدت کمتر و از بین بردن گروه‌های مقاومت خواهد بود.

۳- استقرار یک سیستم مدیریت امنیتی جدید در نوار غزه، برداشتن کامل مسئولیت اسرائیل در قبال زندگی در نوار غزه و ایجاد یک واقعیت امنیتی جدید برای ساکنان اسرائیل است.

در سوی دیگر آوی دیختر وزیر کشاورزی و رئیس پیشین اداره مبارزه با تروریسم سرویس امنیت داخلی این رژیم (شین بت) نیز از ایجاد منطقه حائل درون غزه خبر داده است. براساس آنچه وی گفته این منطقه حائل در سراسر مرزهای غزه کشیده شده و شامل میدان‌های تیری خواهد بود که هر فردی که در آنها قدم بگذارد، کشته می‌شود.

این اظهارات با گام‌هایی که صهیونیست‌ها در روزهای اخیر پی گرفته‌اند، قابل تایید است. صهیونیست‌ها به ساکنان شمال غزه توصیه کرده‌اند از این منطقه خارج شوند. این منطقه از هفت کانون شهری تشکیل شده است که سه کانون آن در شمال قرار دارند. براساس آمارهای سازمان ملل، شمال نوار غزه یک‌میلیون و ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. از این جمعیت تاکنون ۷۰۰ هزار نفر راهی جنوب شده‌اند. درکنار تهدید ساکنان به خروج، تمرکز شدید بمباران‌ها بر این منطقه ساکنان جنوب دلایل دیگری نیز برای خروج از منطقه خود دارند؛ ساکنان غزه مانند بسیاری تصور می‌کنند نوک پیکان ورود زمینی رژیم منطقه شمال است، با توجه به مسدود شدن گذرگاه بیت‌حانون که در سمت شمال و زیرنظر صهیونیست‌هاست تنها گذرگاهی که برای ورود اندک ملزومات زندگی در غزه باقی مانده «رفح» در جنوب است. تخلیه ساکنان شمال نوار غزه به صهیونیست‌ها اجازه می‌دهد آنها راحت‌تر این منطقه را ویران کنند و برای ورود زمینی و اشغال آماده سازند.

روز گذشته خبرگزاری آمریکایی بلومبرگ به نقل از افراد مطلع ادعا کرد مقام‌های آمریکایی و صهیونیستی بحث درباره احتمالات ازجمله انتصاب دولت موقت تحت حمایت سازمان ملل و با مشارکت دولت‌های عربی را برای دوران بدون حضور حماس در غزه آغاز کرده‌اند. طراحی برای ساقط ساختن حماس با اشغال بخشی از نوار غزه نشان می‌دهد در بخشی از غزه که اشغال نخواهد شد، تل‌آویو و متحدانش با اسلحه عمل نخواهند کرد. چگونگی این ساقط ساختن بدون اسلحه از همین امروز می‌تواند قابل تشخیص باشد.

ورود هرگونه کالا به نوار غزه از نخستین روز جنگ در ۱۶ روز پیش متوقف شده، درحالی‌که این منطقه برای گذران زندگی حداقلی بیش از دومیلیون نفر ساکنش، روزانه ۵۰۰ کامیون کالا وارد می‌کرد. دربرابر کسری هشت‌هزار کامیون واردات، روز گذشته با تبلیغات فراوان آمریکا، تنها ۲۰ کامیون ملزومات حیاتی شامل وسایل پزشکی وارد غزه شد. همزمان با کمبود شدید آب، غذا و برق که پیش از جنگ نیز وضعیت وخیمی داشتند، تخریب زیرساخت‌ها، فراری دادن سازمان‌های خیریه بین‌المللی و انهدام جاده‌ها، بافت‌های شهری و خانه‌ها با شدت ادامه دارد.

صهیونیست‌ها با این سلسله اقدامات قصد دارند به ساکنان غزه این پیام را منتقل کنند که اگر در کوتاه‌مدت به آب، غذا، برق و خدمات درمانی در میان‌مدت به بازسازی زیرساخت‌ها و در بلندمدت به آرامش نیاز دارند باید از حکومت حماس رویگردان شوند. از آنجا که اهالی غزه به سختی فریب چنین فضای ترسیم‌شده‌ای را به‌دلیل تجارت تاریخی ازجمله توافق اسلو و وضعیت فعلی کرانه باختری نخواهند خورد، فشارها بسیار شدید تدارک دیده شده‌اند تا خواسته خود را با زور هرچه تمام‌تر به اهالی غزه تحمیل کنند.

از آنجا که چنین فشاری نیز احتمال دارد به نتایج کافی نرسد و مردم از حماس عبور نکنند، تل‌آویو و متحدانش نقشه‌ای دیگر نیز تعبیه کرده‌اند. براساس این نقشه، حکومتی موقت در بخشی از نوار غزه که به اشغال صهیونیست‌ها درآمده ایجاد خواهد شد و سپس با توجه به امکانات موجود در دستان این حکومت، مشروعیت و حمایت بین‌المللی، حکومت حماس در نواحی باقی‌مانده غزه به‌مرور برچیده خواهد شد. بر همین اساس است که مارک رگو، مشاور ارشد سابق نتانیاهو گفته: «در پایان این کار، ماشین نظامی حماس از بین خواهد رفت و ساختار سیاسی آن درهم‌شکسته خواهد شد.»

صهیونیست‌ها به‌دلیل تجربه شکست‌خورده اداره و حضور مستقیم در غزه طی سال‌های ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۵ که تقریبا چهاردهه طول کشید، قصد تکرار این دوره را ندارند و از سوی دیگر خواهان نابودی غزه و سپس رها کردن این منطقه به خودی خود نیز نیستند. تل‌آویو در این خصوص منطقی دارد؛ به‌زعم صهیونیست‌ها تسلط حماس بر غزه با وجود بنیادگرا بودن بهتر از گروه‌های دیگری مانند «جهاد اسلامی» بوده که از این گروه تندروتر به‌شمار می‌روند. بر همین اساس مشخص است که تل‌آویو نه خود در غزه باقی می‌ماند و نه آن را به حال خود رها می‌کند. در اینجا آلترناتیوهای حکومت آتی غزه از نگاه صهیونیست‌ها سه دسته‌اند: «بازگشت تشکیلات خودگردان»، «اداره توسط نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل» یا «اداره توسط هیات مدیره‌ای از کشورهای عربی».

نخستین آلترناتیو به میزان زیادی محل تردید است. سایت خبری تایمز روز ۲۸ مهر (۲۰ اکتبر) در این خصوص نوشته است تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری، با فساد و ناکارآمدی باعث خشم و نارضایتی شده است، و در غزه هم در دوران حکومت سه‌ساله‌اش از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ که توسط حماس برکنار شد، سابقه خوبی ندارد.

در ادامه این مطلب به طرح اداره توسط سازمان‌های بین‌المللی نیز اشاره شده است. به‌گفته تایمز برخی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها ایده یک قیمومیت بین‌المللی را مطرح می‌کنند که بر نوار غزه به‌صورت موقت تا دستیابی به یک راه‌حل دائمی حکومت می‌کنند؛ مانند سیستمی که تا پیش از اداره اسرائیل، سرزمین‌های فلسطین را اداره می‌کرد و قیمومیت آن برعهده دولت انگلیس قرار داشت. به‌گفته این رسانه سازمان ملل متحد به‌عنوان مباشری عمل خواهد کرد تا تزریق انبوه پول نقد را برای کمک‌های بشردوستانه و بازسازی شهرهای آسیب‌دیده غزه که از گلوله‌های بی‌شمار توپخانه مسطح شده‌اند، هدایت کند. این مسیر اما یک خطر دارد، زیرا سازمان ملل و نهادهای خیریه‌اش به‌سختی می‌توانند از پس نیروهای مسلح حماس برآیند. برای جبران همین موضوع قرار است نیروهای بین‌المللی به بهانه حضور در مناطق حائل، در نوار غزه مستقر شوند تا دولت موقت سازمان ملل در غزه از مشروعیت کاربرد زور نیز برخوردار شود. در این میان یک مسیر سوم هم وجود دارد، برای کاستن از تبعات اقدام، افزایش شانس موفقیت و البته کاستن از بار مالی طرح، امکان دارد گروهی از کشورهای عربی این مسئولیت را برعهده گیرند. این مساله بی‌سابقه نیست، در کرانه باختری مدت‌هاست عربستان سعودی و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تامین‌کننده مالی تشکیلات خودگردان به ریاست محمود عباس به‌شمار می‌روند و در نوار غزه مصر و اردن چنین نقشی را ایفا کرده‌اند؛ قطر تامین‌کننده مالی و مصر مدیریت‌کننده نحوه هزینه‌کرد مبالغ برای واردات کالا و بازسازی زیرساخت‌ها.

حماس حذف‌شدنی نیست

توازن نظامی که از تعداد نفرات و تجهیزات طرفین آشکار می‌شود به شکل آشکاری به نفع رژیم است. زوران کوسواچ، تحلیلگر ژئوپلیتیک و امور امنیتی و خبرنگار جنگ این موضوع را در مقاله‌اش در الجزیره توضیح داده است. به نوشته این تحلیلگر فارغ از برتری تسلیحاتی رژیم که مورد اتفاق همگان است و برخلاف برداشت‌های کیفی که از شکست ۷ اکتبر و هجوم نیروهای حماس به خطوط مقدم صهیونیست‌ها حاصل شده و دست تل‌آویو را در حوزه کیفی پایین می‌دانند، رژیم «اول و مهم‌تر از همه برتری قاطع در نیروی انسانی آموزش‌دیده و مجهز» دارد که هم‌اکنون شامل نیم میلیون سرباز زیرپرچم در سراسر فلسطین اشغالی می‌شود.

به گفته کوسواچ مقاومت فلسطین در غزه احتمالا تنها می‌تواند ۱۰ هزار جنگجو را با آموزش‌های مناسب و تسلیحات مناسب برای وظایف تخصصی که گروه‌های آنها انجام می‌دهند، جمع کند. این تحلیلگر معتقد است حماس می‌تواند این تعداد را به راحتی ۱۰ برابر کرده و تا ۱۰۰ هزار داوطلب را به خدمت بگیرد اما آنها فاقد تجهیزات و تسلیحات مناسب خواهند بود و باید تنها بر اراده و عزم‌شان اتکا کنند.

این توضیحات به صورت جزئی دقیق به نظر می‌رسند اما قطعا صهیونیست‌ها برآورد دقیق‌تری از توازن کیفی و کمی در صحنه نظامی دارند که تاکنون از ورود سهمگین نظامی به غزه همان‌گونه که تهدید می‌کردند، خودداری کرده‌اند. به‌لحاظ تسلیحاتی بسیاری از سلاح‌ها از بمب‌های اتمی، زیردریایی‌ها، جنگنده‌های رادارگریز و حتی سامانه‌های پدافند هوایی فلاخن داوود و پیکان به کار جنگ علیه غزه نمی‌آیند. از میان تسلیحاتی مانند نزدیک چهار هزار تانک نیز تمام آنها علیه غزه کاربردی نیستند، زیرا محدودیت منطقه امکان چنین کاری را نمی‌دهد. پس می‌توان گفت صهیونیست‌ها با صدها هزار نیرو نیز نمی‌توانند وارد منطقه‌ای شوند که هم‌اکنون با بیش از دو میلیون جمعیت و ۳۶۰ هزار کیلومتر مربع وسعت متراکم‌ترین منطقه جهان است.

صهیونیست‌ها پیش از این نیز چنین مساله‌ای را تجربه کرده‌اند. آنها در سال ۲۰۰۶ نیز همین نیم میلیون سرباز مجرب و آموزش‌دیده را در اختیار داشتند اما با توجه به شرایط جنگ در جنوب لبنان، تنها ۱۰ هزار نظامی را با خود به جنگ بردند. در ادامه با گره خوردن جنگ، تل‌آویو تعداد سربازان را به ۳۰ هزار نفر افزایش داد که همچنان زیر ۱۰ درصد نیروهای ارتش رژیم بودند. صهیونیست‌ها پس از این اقدام به سرعت پی بردند افزایش نیروها بدون آنکه بتواند گرهی از جنگ باز کند صرفا می‌تواند به افزایش تلفات بینجامد. در مقابل تمام این صف‌آرایی، مقاومت لبنان تنها یک هزار نیرو را به کار گرفته بود که ۵۰ نفر آنها به موشک کورنت مجهز بودند. رژیم با هدف قرار گرفتن تنها ۳۴ تانک که بسیاری از آنها پس از جنگ تعمیر شدند از جنوب لبنان عقب‌نشینی کرد؛ این تانک‌ها زیر یک درصد از موجودی تانک‌های تل‌آویو بودند.

صهیونیست‌ها فراتر از لبنان، به خود غزه نیز سابقه ورود زمینی در جنگ‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ دارند. به نوشته روزنامه واشنگتن پست، در این دو برهه هدف تل‌آویو تنها تضعیف توانایی‌های حماس بود؛ اقدامی که بیشتر شامل ورودهای نقطه‌ای و محدود می‌شد. رافائل کوهن، کارشناس ارشد سیاسی در موسسه رند، درخصوص تفاوت‌های ورود پیش رو با ورودهای ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ می‌گوید: «اساسا هدف اسرائیلی‌ها تغییر رژیم کامل در غزه است که فاصله‌ای قابل توجه از مبارزات گذشته است.» کوهن با یک برآورد خوش‌بینانه از «بیش از ۵۰ روز» جنگ سخن گفته است. واشنگتن پست در گزارش خود در این رابطه می‌نویسد تحلیلگران می‌گویند حداقل دو سال را صرف برنامه‌ریزی برای حمله غافلگیرانه نیروهای اسرائیلی کرده است و احتمالا برای یک اقدام تلافی‌جویانه در مقیاس بزرگ آماده شده است. برخلاف تصور، بمباران‌های شدید اسرائیل، ساختمان‌ها و خیابان‌های غزه را به هزارتویی از آوار تبدیل کرده است. انبوه آوار، همراه با سنگرها، می‌تواند پوششی برای حماس ایجاد کند. حماس همچنین می‌تواند سعی کند نیروهای ارتش اسرائیل را به مناطقی که با مواد منفجره مین‌گذاری کرده است هدایت و آنها را قلع و قمع کند.

هشدار پترائوس به نتانیاهو

دشواری‌های پیش رو برای حمله به غزه باعث شده دیوید پترائوس، رئیس سابق سیا که در مقام ژنرال ارشد آمریکایی نیروهای ائتلاف را در عراق و افغانستان رهبری می‌کرد در هر مصاحبه‌ای از سی‌ان‌ان و پولیتیکو تا سی‌بی‌اس، به تل‌آویو هشدار دهد. او در در پادکست «Power Play» در پورتال آمریکایی «پولیتیکو» به صهیونیست‌ها هشدار داده که ورود زمینی نه هفته‌ها و ماه‌ها، بلکه سال‌ها طول کشیده و به طور مداوم شامل نبردهای وحشتناک خواهد بود. پترائوس معتقد است اگر حماس در دفاع به همان اندازه که در عملیات اولیه (طوفان الاقصی) خلاق بود، از خود خلاقیت نشان بدهد، صهیونیست‌ها در هنگام ورود زمینی به غزه، بمب‌گذاری، کمین‌ها و تله‌های انفجاری را در یک محیط شهری تجربه خواهند کرد که می‌تواند چالش برانگیز باشند.»

فرمانده سابق جنگ عراق و افغانستان با اشاره به سوابق گسترده خود در جنگ شهری به سران تل‌آویو هشدار داده نمی‌تواند جنگی شهری طی یک و دو سال پیروز شود بلکه چنین جنگی یک دهه یا بیشتر به طول خواهد انجامید.

از طریق چهار جنگ و نبردهای کوچک‌تر بی‌شمار با اسرائیل که غزه را ویران کرد، حماس قدرتمندتر شده است. در هر درگیری بعدی، حماس موشک‌های بیشتری داشته است و هدف‌های دورتر را نشانه گرفته است. حتی با تصور پیروزی صهیونیست‌ها در جنگ، یک سوال بسیار پر اهمیت باقی می‌ماند؛ «پس از حماس، پس چه؟» در رژیم صهیونیستی برای این سوال هیچ پاسخی وجود ندارد. بلاتکلیفی در این باره باعث شده تاگالانت، کارگروهی را برای چاره‌اندیشی درباره روز پس از برچیده شدن حماس (!) تشکیل دهد تا نتایجی را در طول جنگ درباره اینکه چه کسی حاکمیت خواهد داشت و چه کسی غزه را کنترل خواهد کرد به او ارائه کنند. این تیم همچنین طرح‌ریزی یک منطقه حائل را بررسی می‌کند که منطقه‌ای امن را در امتداد مرز با نوار غزه تشکیل می‌دهد و نیروهای اشغالگر به روی هر کسی که به آن نزدیک شود مستقیما شلیک خواهند کرد.

یک منبع امنیتی منطقه‌ای به رویترز گفته که «اسرائیل یک بازی پایانی برای غزه ندارد. استراتژی آنها این است که هزاران بمب بیندازند، همه چیز را نابود کنند و وارد شوند، اما بعد چه؟ آنها هیچ استراتژی خروج برای روز بعد ندارند.» یک منبع آمریکایی به رویترز گفته که در واشنگتن خوش‌بینی کمتری وجود دارد که اسرائیل بتواند حماس را به‌طور کامل نابود کند. به گفته این فرد، سناریوی محتمل‌تر این است که نیروهای اسرائیلی تا آنجا که می‌توانند اعضای حماس را بکشند یا دستگیر کنند، تونل‌ها و کارگاه‌های موشکی را منفجر کنند، و پس از افزایش تلفات اسرائیل، به دنبال راهی برای اعلام پیروزی و خروج باشند. کارشناسان هشدار داده‌اند که شکست حماس امکان‌پذیر نیست؛ حتی اگر اسرائیل موفق به سرنگونی حماس شود، شبه‌نظامیان می‌توانند خلأ قدرت را پر کنند.

اروپا؛ یک سال بعد

در کنار دشواری‌های میدانی، فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای نیز بر این نبرد سایه افکنده است. در دو هفته گذشته در سرتاسر جهان و به ویژه اروپا، با وجود ممانعت دولت‌های غربی، تجمع‌های حمایتی از مردم فلسطین برگزار شده است. تازه‌ترین آن به روز گذشته بازمی‌گردد که صدها نفر از شهروندان انگلیس درحمایت از مردم فلسطین و علیه اشغالگری رژیم صهیونیستی تظاهرات کردند. چند روز پیش در ۲۲ مهرماه نیز هزاران نفر از طرفداران فلسطین تظاهرات گسترده‌ای را در مرکز لندن علیه وحشی‌گری‌های رژیم صهیونیستی برگزار کرده و خواستار پایان دادن به جنایات این رژیم در نوار غزه شدند. یکی از مقامات دفتر ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا اعلام کرد بسیاری از شرکت‌کنندگان در این راهپیمایی با حمل پرچم فلسطین فریاد آزادی فلسطین را سر می‌دادند. براساس این گزارش، بیشتر شعارهای سر داده شده در این راهپیمایی، دولتمردان انگلیس و آمریکا را هدف قرار می‌داد که در این نبرد ویرانگر از رژیم صهیونیستی حمایت کردند.

حمله زمینی و تداوم جنایات، می‌تواند جایگاه صهیونیست‌ها در افکار عمومی را تغییر دهد و کار را به واکنش‌هایی چون تحریم کالاهای صهیونیستی نیز بکشاند. در همین راستا، غیث العمری، کارشناس ارشد موسسه واشنگتن هشدار داده است که «یک کارزار زمینی به ناچار پیامدهای شدیدی برای غیرنظامیان در غزه خواهد داشت. ماهیت شهری متراکم [نوار غزه] تضمین می‌کند که چنین عملیاتی با مقاومت شدید روبه‌رو خواهد شد و مستلزم استفاده گسترده از زور توسط اسرائیل است.» این مساله به‌طور حتم پیامدهایی داخلی نیز خواهد داشت. با بالا رفتن حجم جنایت صهیونیست‌ها، شورش فلسطینیان در کرانه باختری شدیدتر می‌شود و اقدامات رژیم حتی مورد انتقاد متحدانش قرار می‌گیرد. بدتر از همه، فضا برای مداخله دیگران در جنگ بیشتر خواهد شد. گروه‌های مقاومت موجود در منطقه به‌ویژه در لبنان تاکید کرده‌اند در صورت عبور رژیم از خطوط قرمز مشخصی مانند حمله زمینی، به فلسطین اشغالی حمله خواهند کرد. آنها تا همین قبل از ورود نیز با پرتاب روزانه و رو به رشد موشک‌های ضدزره به تانک‌های مرکاوا، زره‌پوش‌ها و پادگان‌های مرزی رژیم، انگیزه و توان خود را نشان داده‌اند؛ در پی این حملات تاکنون ۱۶۰ نظامی صهیونیست کشته و زخمی شده‌اند.